

بیژن عبدالکریمی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# حفظ امنیت و دفاع ملی باید معیار هر نوع کنشگری باشد

**سیدعلیرضا طاهری**

خبرنگار

در آرد نیز میان ایران و رژیم صهیونیستی، وحدت و انسجام ملی ایرانیان در دفاع از وطن و آرمان‌های خود بیش از پیش نمایان شده است. وحدتی که در تاریخ ۳۰۰ساله ایران همواره به‌جز محدود لحظاتی مفقود بوده است. امروز وحدتی شکل گرفته است که نه‌تنها میان گروه‌های سیاسی و اجتماعی بلکه در میان همه اقوام مختلف ایران نیز دیده می‌شود.
اینگ در پهنای سرزمینی به نام ایران و در لحظه نبرد با رژیمیی که قصد نابودی این سرزمین را دارد «ملت نود میلیونی، یک‌صداه، ششانه به‌شانه و بدون هیچ‌گونه تفاوتی در خواسته‌ها و اهداف خود یکپارچه ایستادند.» در این لحظه از هر قشر و با هر دیدگاه و مذهب و آیینی همگی همدلی و همراهی را تجربه می‌کنند.
جنایات اخیر رژیم صهیونی و ورود مستقیم آمریکا در این نبرد نشان داد زمانی که به این مرز و بوم تعرضی صورت گیرد نه‌تنها تفرقه میان مردم ایجاد نشده بلکه آن‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌کند.
اینگ همه احزاب، همه مسئولان و هر آن کس که علقه‌ای به این خاک دارد در یک صف همچون سربازی ایستاده و آماده هستند جان خود را فدای ایران اسلامی کنند. این موج اتحاد و همبستگی تاریخی ایرانیان در این لحظه خطیر تاریخی پرسشی اساسی به‌وجود می‌آورد که رمز و راز این همبستگی و اتحاد چه بوده؟ و چه آورده‌های اجتماعی‌ای داشته است؟ و چگونه می‌توان آن را حفظ کرد؟ از همین رو «فرهیختگان» با بیژن عبدالکریمی، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد واحد تهران شمال گفت‌وگویی در پی یافتن پاسخ این سؤالات داشته است.

#### «هر وقت ملتی به دست متخاصمی نفی شود توجه برملی‌گرایی مورد توجه قرار می‌گیرد

بیژن عبدالکریمی در خصوص چگونگی شکل‌گیری انسجام ملی در زمان جنگ تحمیلی معتقد است که «چند عامل مهم در مورد چگونگی وحدت ملی وجود دارد که در تاریخ جامعه‌شناسی به رسمیت شناخته شده که هر وقت ملتی به‌دست متخاصمی نفی شود، توجه بر امر ملی و ملی‌گرایی موردتوجه قرار می‌گیرد. طبیعی است زمانی‌که ملیت ما، نفی و انکار می‌شود؛ در واقع در برابر نفی‌شدگی، نوعی مقاومت در روح ملی مردم شکل می‌گیرد. این یکی از عوامل است. دومین مورد این است که در واقع دروغ غرب و قدرت‌های بزرگ آشکار شد، یعنی قدرت‌های بزرگ همواره خطاب به ما وانمود می‌کردند که دوست مردم ایران هستند و می‌خواهند به دموکراسی و توسعه کشور کمک کنند؛ می‌گفتند آن‌ها اصلاً با مردم عادی کار ندارند و فقط با حکومت و سیران نظامی و دولتی کار دارند. این جنگ کاملاً نشان داد دروغ می‌گفتند. نکته سوم، این است که حقیقتاً ما در جریان مذاکره بودیم و تا پای میز مذاکره رفته و در حال مذاکره بودیم. این اتفاقات نشان داد در این لحظه تاریخی کشورمان مظلوم واقع شد. ما در این مدت پیمان‌های زیادی امضا کردیم؛ مثلاً آن‌بی‌تی را امضا کردیم، در تمام مدت فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای‌مان، همه چیز تحت‌نظر کارشناسان و آژانس بود. ما تعهدات خودمان را در همه‌ز زمینه‌ها انجام دادیم، در همین زمان رژیم آن‌بی‌تی را امضا نکرده بود، رژیم صهیونی سلاح هسته‌ای دارد و این

تسلیمات از ابهام بر خوردار است و ما نمی‌دانیم این رژیم چند کلاهک هسته‌ای دارد. کشوری که آن‌بی‌تی را امضا نکرده بود به کشوری حمله کرد که آن‌بی‌تی را امضا کرده بود. حادثه مانند رخ زخ داد و ما شاهد بودیم اسرائیل جنایت‌های بسیاری انجام داد. همه این عوامل دست‌به‌دست هم دادند تا در بخشی از مردم که خودآگاهی ملی و تاریخی‌اش تضعیف شده بود، دوباره این خودآگاهی ملی شکل بگیرد و روحیه ملی تقویت شود و در نهایت، مردم در صدد دفاع از کشور خود برآمدند.»

#### «اپوزیسیون خارج‌نشین اسیر دگماتیسیم شده و رابطه‌شان با واقعیت قطع شده است

او در خصوص عدم فهم جامعه ایرانی توسط اپوزیسیون خارج‌نشین می‌گوید: «خیلی از کسانی‌که اپوزیسیون‌خارج از کشور هستنددر رسانه‌ها مانندبی‌بی‌سی یا یادر واقع ایران اینترنشنال فعال هستند، بعضی‌شان حتی از جمهوری اسلامی هم روی‌گردان شده‌اند یا سال‌ها در زندان بوده یا اخراجی‌اند و کینه‌دار شده‌اند. این کینه به‌عنوان مبنای قضاوت‌هایشان عمل می‌کند. واقعیت این است که هر فرد، وقتی اسیر ایدئولوژی می‌شود، یعنی قالب‌ها و چهارچوب‌هایی بر ذهنش حاکم می‌شود، و صرفاً بر اساس خشم، کینه، احساسات یا چهارچوب‌های از پیش تعیین‌شده، با واقعیت برخورد می‌کند؛ لذا اپوزیسیون خارج‌نشین اسیر دگماتیسیم و جزمیت شده‌اند و رابطه‌شان با واقعیت قطع شده است. این اتفاقی است که برای بسیاری از اپوزیسیون‌های داخل و خارج کشور رخ داده است. به‌علاوه برخی از آن‌ها، به دلایل معیشتی، وابسته به حقوقی هستند که می‌گیرند یا عضو نهادهایی شده‌اند که بودجه می‌گیرند و در نتیجه، انتظار دارند که تحلیل‌هایی ارائه‌دهند که مطابق با گفتمان آمریکایی یا سلطنت‌طلبانه باشد، تا چرخ زندگی‌شان بچرخد. این دو عامل، یعنی، اول، چهارچوب ایدئولوژیک و دوم، وابستگی معیشتی، باعث می‌شود تصویر و تحلیلی درستی از جامعه‌ایرانی نداشته‌باشند.»

#### «غرب به آنچه خودساخته و وضع کرده وفادار نیست

عبدالکریمی در خصوص آورده‌های جنگ ۱۲ روزه برای ملت ایران معتقد است: «ما در این جنگ چند دستاورد بزرگ داشتیم. ابتدا خیلی‌ها که در موضع اپوزیسیون بودند تصور می‌کردند جهان، جهان گل و بلبل است، جهان حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک است؛ اما این جنگ نشان داد بسیاری از این تصویرها که توسط غرب‌سالاران ساخته شده چه اندازه دروغ است. آورده دیگر این جنگ این است که نشان داد غرب تا چه اندازه به اصول و قواعد اخلاقی، حقوقی و سیاسی و اصول قواعد نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل یا آن‌بی‌تی پایبند نیست. نمونه‌اش جنایات غزه و حکم دادگاه لا هه است که علیه‌تائیانوا صادر شد، اما این حکم اجرا نمی‌شود. این اتفاقات نشان داد همه این‌ها، بازی بود و ظاهری داشت که نفع خودش را دارد برای اسرائیل و غرب، این نهادها، صرفاً ظاهری هستند. غرب به آنچه خود ساخته و و وضع کرده وفادار نیست.»

وی همچنین در خصوص آورده‌های دیگر این جنگ اضافه کرد: «نیروهای انقلابی ما فهمیدند دشمن را نمی‌توان ساده گرفت؛ اراده ما یگانه اراده موجود در این جهان نیست و اراده‌هایی هستند که در مقابل ما قرار دارند. به علاوه فاصله تکنولوژیک ما از غرب و رژیم صهیونی نشان داد ما باید به هر نحوی این فاصله را پرکنیم. این جنگ نشان داد ضرباتی که خوردیم بیشترشان ضربات از داخل بود و افرادی این کار را کردند که ایرانی بوده و فارسی صحبت می‌کردند. این افراد از داخل، به‌راحتی نفوذ کرده بودند و در این لحظات مهم فعالیت‌های اثرگذار داشتند. به علاوه ما باید مسائل نرم‌افزاری، مسائل اجتماعی و امر فرهنگی، امر انسانی را جدی بگیریم. اگر مقاومت بخواهد جدی باشد، اگر این مقاومت بخواهد طولانی‌شود، باید حاکمیت و گفتمان انقلاب توجه‌کند که تحول‌ساختاری و بنیادی‌در رسانه ملی، دانشگاه‌ها، و مسائل فرهنگی و حوزه هنری ایجاد کنند تا شکاف



اسرائیلی‌ها مدعی شده‌اند که اورانیوم غنی‌شده در نزدیکی اماکن باستانی اصفهان قرار دارد

# بی‌هویت‌ها علیه هویت ایرانی

ایرانی در مسیر حرکت اسرائیل به‌سوی اهدافش، خودش مانع بزرگی است.»

#### «در برخی متون تاریخی اسرائیل از نیل تا همدان را نشانه گرفته است

کائینی می‌گوید در برخی متون تاریخی داریم که اسرائیلی‌ها نه از نیل تا فرات، بلکه هدفشان از نیل تا همدان است. این در برخی متون آمده است: «توسعه‌طلبی آن‌ها اقتضا می‌کند که هر چیزی را که سر راهشان مزاحم باشد، چه از عرصه فرهنگی بر خاسته باشد، چه مقاومت اجتماعی یا مانع نظامی، از میان بردارند. طبعاً در کنار سایت‌های هسته‌ای، ابنیه‌های تاریخی ما نیز قرار دارند و احتمالاً در برنامه‌های بعدی‌شان قصد تعرض به آن‌ها را دارند. این موضوع روز به روز روشن‌تر می‌شود و از اسرائیل هر چیزی برمی‌آید.»
کائینی معتقد است: «پیشینه تاریخی ملت‌هایی که از راه‌های شناخت آن‌هاست؛ اماکن و نشانه‌های تاریخی. طبعتاً در کشور ما، متأسفانه به‌دلیل سوءمدیریت‌هایی که در ادوار مختلف تاریخی وجود داشته، این نشانه‌های تاریخی چندان مورد توجه نبوده‌اند. ممکن است دشمنان این سرزمین، در مقطعی به بعد درصدد انکار آن‌ها بر آیند؛ کما اینکه ما مواردی داشته‌ایم که حتی تاریخ ایران را انکار کرده‌اند. اگر این نشانه‌ها و اسناد وجود داشته باشند، اثبات هویتمان ساده‌تر است. اما اگر وجود نداشته باشند و بخواهیم به اسناد، نقل قول‌ها و روایت‌های تاریخی استناد کنیم، طبعتاً کار سخت‌تر می‌شود؛ چون‌وجود این نشانه‌ها و آثار عینی موجب می‌شود که ما سخن ما را اثبات و بهتر اثبات شود. این‌ها در کتاب‌ها هستند و قابل اثبات هستند. طبعیتاً اسرائیل به دلیل جعلی بودنش، ایران را به دلیل سابقه تاریخی‌ای که دارد، بر نمی‌تابد و این راهی است برای اینکه به پیشینه تاریخی ایران تعرض کند.»

#### «هدف اسرائیل انحلال تمام ایران است

کائینی معتقد است که هدف اسرائیل رسماً انحلال و تجزیه ایران است. برنامه‌هایشان کاملاً این را نشان می‌دهد: «حتی‌کننده‌ترین انسان‌های امروز که ذره‌ای انصاف در وجودشان هست، به این مسئله اقرار می‌کنند. تنها کسانی مدعی‌اند که اسرائیل به ایرانیت ماکاری ندارد که رسماً حقوق‌گیر و مواجیب‌گیر اسرائیل هستند. الان صحنه‌آرایی‌ای که شده، در ذهن کمتر خردمندی تردیدی باقی می‌گذارد که اسرائیل، علاوه بر جنبه ایدئولوژیک، هدفش از بین بردن تاریخ تشیع، همچنین از بین بردن ایران، تاریخ ایران و حتی تمامیت‌ارضی ایران است.»

#### «جامعه اسرائیل از لحاظ فرهنگی و قومی یک جامعه چهل تکه است

صادق‌علیزاده، روزنامه‌نگار و اسرائیل‌شناس، به‌تهدید اماکن تاریخی‌طور دیگری نگاه می‌کند. اویر این‌بابور است که اجتماع چندتکه، بدون هویت ملی و تاریخی با نام اسرائیل، طبیعی است که در مقابل تمدن چند هزارساله ما قرار بگیرد. به گفته‌علیزاده، «از همان روز اول با دوم جنگ، اسرائیلی‌ها مرزهای خروج اتباع خودشان را بستند؛ یعنی با شروع جنگ، مرزها را برای تعدادی که می‌خواستند خارج شوند، بستند. این یک اتفاق جالب‌توجه بود. جامعه‌آن‌ها از لحاظ فرهنگی،

اجتماعی در جامعه‌مان نیز برطرف شود؛ در غیر این صورت، همان عناصر وابسته به خارج، در این شکاف‌ها نفوذ و فعالیت می‌کنند و در بزنگاه‌ها، آسیب جدی بر ما وارد می‌سازند.»

#### «تغییر در سیاست‌های فرهنگی و رسانه‌ای اقتضای جنگ است

او با انتقاد به حفظ دست‌فرمان‌های گذشته از ضرورت تحول در ساختارها همزمان با جنگ می‌گوید: «دانشگاه‌های ما هم باید دچار تحول بشوند، برخی مسئولان به خاطر محافظه‌کاری، خیلی از برنامه‌های فرهنگی را اجازه نمی‌دادند این منطق بروکراتیک، منطق تکنوکراتیک ادارات ماست. باید برخی مسئولان این شرایط را درک کنند. متأسفانه در برخی نهادها مسئولیت‌های فرهنگی به دست افرادی افتاده که به‌هیچ‌وجه درکی از فرهنگ ندارند. درک نمی‌کنند غرب چه خطراتی دارد. ما باید در حوزه فرهنگ جوانانمان را جذب کنیم. متأسفانه افرادی مسئولیت‌دارند که اهل فرهنگ نیستند، به‌اصطلاح فراتر از نوک‌بینی‌شان را نمی‌بینند، مسائل کلان کشور، مسائل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی ما را نیز درک نمی‌کنند. اقتضای جنگ این است که ما باید تغییری در سیاست‌های فرهنگی و رسانه‌ای ایجاد کنیم.»

عبدالکریمی با اشاره به چگونگی حفظ انسجام و آورده‌های اجتماعی آن افزود: «این تابع عنصر تفکر و شناخت، تابع عناصر فرهنگی است. به همین دلیل می‌گوییم فرهنگ مهم است. اگر ما به این حوزه‌ها توجه نداشته باشیم، به مسئله وحدت ملی توجه نداشته باشیم، به‌فیده‌شدن ناآیدانه‌انگاشته‌شدگان جامعه توجه نکنیم نمی‌توانیم از این آورده‌ها محافظت کنیم.»

#### «باید به‌نحو جدی به ایران اندیشید

عبدالکریمی با اشاره به آنکه احساسات افراد، یک جامعه را هدایت نمی‌کند، افزود: «جامعه را احساسات هدایت نمی‌کند. هیچ نهاد و جریان‌ی نمی‌تواند روی احساسات مردم حساب باز کند. ما نیاز مند به خودآگاهی ملی هستیم. این خودآگاهی ملی باید شکل بگیرد. خودآگاهی ملی و تاریخی ضروری است؛ چراکه احساسات مردم هر لحظه در حال تغییر است. جامعه، یک شمای ثابت نیست. جامعه هر دم تحول پیدا می‌کند. ما نمی‌توانیم یک اصل کلی برای یک جامعه بیان کنیم و بگوییم جامعه همین‌گونه خواهد بود. چنان‌که در زمان دهه ۶۰ که جنگ با عراق را داشتیم، مردم روحیاتی داشتند که امروز این روحیات تغییر کرده است؛ لذا باید به تحولات جامعه نیز توجه داشته باشیم. هر جریان سیاسی – اجتماعی اگر بخواهد به تحولات جامعه بی‌تفاوت باشد بی‌تردید صحنه را از دست می‌دهد. باید توجه داشته باشیم برای ارتباط با نسل‌های جدید به زبان تازه‌ای نیاز داریم. برای ارتباط با سوزه مدرن در جامعه، در واقع به زبان جدید نیاز مندیم. نیروهای گریز از مرکز در تمام نواحی حاشیه کشور وجود دارند. باید نوعی ادبیات ایجاد کنیم که نیروهای گریز از مرکز را جذب کنیم.»
عبدالکریمی در آخر افزود: «تحلیلی که من دارم این است که نخبگان، روشنفکران باید به نحو جدی به ایران بیندیشند. شرایط ما شرایط دشواری است، و حفظ امنیت ملی، دفاع ملی باید معیار هرگونه کنشگری، هرگونه سخن و اظهارنظری باشد.»

دوشنبه ۹ تیر ۱۴۰۴

شماره ۴۴۴۸

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

در مصاحبه چند روز گذشته گروسی با فاکس نیوز، خبرنگار مدعی می‌شود که طبق شنیده‌های‌شان، ایران اورانیوم غنی‌شده را در نزدیکی یک مکان باستانی در اصفهان مخفی کرده است. گروسی این ادعای خبرنگار فاکس نیوز را نه‌ردو نه به صراحت تأیید می‌کند. همچنین یک فعال فضای مجازی صهیونیستی در شبکه ایکس نوشته بود که «هشدار به مردم اصفهان! از روی دوستی و صلح، به شما هشدار می‌دهیم که هر چه سریع‌تر شهر را ترک کنید. رژیم تروریستی ایران اورانیوم غنی‌شده را در مکان‌های باستانی شهر دفن کرده است و مواد رادیواکتیو ممکن است به شما آسیب برساند.»
اسرائیل این‌بار صراحتاً تاریخ ایران را هدف قرار داده است. دقیقاً امری که خودش از نبود آن در رنج است. ابنیه تاریخی ایران یادگار تاریخ چند هزارساله این کشور است و در این سال‌ها علی‌رغم تمام بالا و پایین شدن‌ها و کم و کاستی‌ها و بی‌مهری‌ها، سازمان‌های فرهنگی تمام تلاش خود را کرده‌اند تا آثار و ابنیه تاریخی را سالم نگه دارند و نسل جدید از وجود این تاریخ بی‌بهره نماند. اسرائیل که تازه‌تأسیس است، بدون قدمت تاریخی است و حالا ایرانیت ما را نشانه گرفته است و قصد دارد با تئوری مخفی‌سازی اورانیوم در زیر ابنیه تاریخی، حمله به ابنیه تاریخی را حق خود بداند و با ابیاتی یک‌طرفه مانند «حمله پیش‌دستان» حمله به آثار باستانی و ابنیه تاریخی را عادی کند و از غرب تأیید بگیرد. رژیم صهیونیستی نه تنها هدفش جنگیدن با اسلام‌گرایی و تمدن شیعی است بلکه با تئوری مخفی‌سازی اورانیوم در امکان تاریخی، ایرانیت ما را هم مورد هدف قرار داده است و بیش از پیش نشان داده که این جنگ، جنگ با تمام ایران با همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی و دینی آن است.

#### «اسرائیل به تمام شئون ایران حمله‌ور شده است

محمدرضا کائینی، پژوهشگر تاریخ، معتقد است که اسرائیل به تمام شئون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی ما حمله‌ور شده و جالب اینجاست که برخی در دنیا این طرز فکر را دارند که اسرائیلی‌ها صرفاً در جنگ با حکومت ایران هستند و با ملت ایران، تمدن و تاریخ ایران کاری ندارند.

«اظهارنظرها در این مورد کاملاً غیرمنطقی و بی‌مورد است، چون هیچ حکومتی زیرساخت‌های تمدنی خودش را در معرض مخاطره قرار نمی‌دهد. نگهداری مواد مربوط به هسته‌ای در زیر ساختمان‌هایی که هم ارزش تاریخی دارند و هم بسیار حساس هستند، با مراقبت‌ها و دقت‌های خاصی باید انجام شود. این کار هیچ توجیهی ندارد و فکر نمی‌کنم در این کشور یا در هیچ کشور دیگری چنین امری انجام شود. این بهانه‌جویی برای از بین بردن زیرساخت‌های فرهنگی و تاریخی کشور است. جالب اینجاست که با وجود تمام این فضاسازی‌ها، باز هم عده‌ای صرفاً درگیری ایران و اسرائیل را پیش می‌گیرند و حکومت جمهوری اسلامی و اسرائیل را مورد توجه قرار می‌دهند و بر آن تأکید می‌کنند. در نهایت، معتقدند که اسرائیل با جمهوری اسلامی می‌جنگد، در حالی‌که اصلاً نفس وجود

و با فشار، دور هم جمع شده‌اند، اگر یکدست و از لحاظ فرهنگی هم جنس باشند و به‌اصطلاح هویت ملی داشته باشند، سرریز آن می‌شود دولت–ملت و یک حاکمیت سیاسی. اما وقتی این را ندارند، به تبع آن، حاکمیت سیاسی هم به طور طبیعی شکل نمی‌گیرد.»

#### «شرایط گلخانه‌ای و امنیتی اسرائیل افراد را در کنار هم نگه داشته است

علیزاده ادامه داد: «نهاد سیاست، نهاد حکومت، نهاد ارتش چه می‌شود؟ می‌شود اینکه شما یک‌سری نهادهای نظامی و امنیتی دارید که به‌زور اقدامات امنیتی، نظامی، اقتصادی و سیاست‌های مهاجرتی، لایه‌های جمعیتی را حول این‌ها شکل می‌دهید. در شرایط آزمایشگاهی، این‌ها سورا می‌مانند، اما به‌محض اینکه اندک فشاری به آن‌ها وارد شود، هر کدام میل گریز از مرکز پیدا می‌کنند تا به هویت مبدأ خودشان برگردند. آن‌هایی که می‌توانند، می‌روند و آن‌هایی که نمی‌توانند، مجبورند در همان شرایط زندگی کنند. در واقع، شرایط گلخانه‌ای امنیتی این افراد را کنار هم نگه داشته است. وقتی فشار اجتماعی وارد می‌شود، اگر آن ماشین جنگی نباشد، این جامعه خوبه‌خود متلاشی می‌شود. چون شما یک‌سری آدم‌ها را دور هم جمع کرده‌اید که نه تاریخ مشترکی دارند، نه فرهنگ مشترکی و حتی زبان مشترک هم ندارند. حتی بحث زبان مشترک بماند؛ از جامعه حدود ۹.۵ تا ۱۰ میلیون اسرائیلی، نزدیک به ۲.۵ میلیون نفرشان عرب‌بومی ساکن اراضی ۱۹۶۸ هستند. این سیاست مهاجرتی که از دهه ۱۹۲۰ و دوره قیمومیت انگلیس شروع شد و بعد، در سال ۱۹۴۸ که اسرائیل تشکیل شد، تا امروز ادامه داشته، برای این است که ترکیب جمعیتی آنجا را به‌زور و با فشار حفظ کند. به همین دلیل می‌بینید که با اندک فشاری، آن‌ها مراقب هستند که این ترکیب جمعیتی به هم نخورد، چون این ترکیب جمعیتی هیچ عامل میانی برای نگه‌داشتن این افراد کنار هم ندارد و کاملاً فاقد آن است.»

#### «اسرائیلی‌ها تاریخ و زبان مشترک ندارند

علیزاده همچنین گفت: «اسرائیلی‌ها اصلاً ملتی نبوده که تاریخ مشترک، فرهنگ مشترک، زبان مشترک یا حافظه تاریخی مشترک داشته باشند. خیلی از اتباع داخلی اسرائیل، اگر الان از آن‌ها پرسید که ۳۰سال پیش چه بودید، حافظه تاریخی مشترکی ندارند. مثلاً ما ایرانی‌ها می‌گوییم پهلوی اول آمد، پهلوی دوم آمد، این اتفاقات افتاد، بعد انقلاب شد. اما اتباع اسرائیل این‌ها را ندارند. طبیعی است که وقتی این را ندارند، دنبال هویت‌سازی و ملت‌سازی باشند و در حوزه سیاست، همان‌طور که دولت–ملت خودشان را جعل کرده‌اند، دنبال جعل فرهنگی و تاریخی باشند. اما در مقابل مثلاً ما ایرانی‌ها می‌گوییم ما همان ملتی هستیم که در سال ۶۸ با صدام جنگیدیم، در سال ۵۷ انقلاب کردیم، در سال ۱۳۲۰ سلسله پهلوی عوض شد، یا در سال ۱۳۰۰ کودتا علیه ما شد. ما مدام بخش‌هایی از گذشته‌مان را آدرس می‌دهیم و هویت ملی و فرهنگی خودمان را تعریف می‌کنیم. می‌رویم عقب‌تر، می‌گوییم همان‌هایی هستیم که مغول به ما حمله کرد، همان‌هایی هستیم که فردوسی هزار و سیصد سال پیش این سخنان را دربارۀ ایشان گفت.»